عدم انطباق سیر قمر و زمین منشأ اتصاف بالعرض در تعیین روز اول ماه

شاگرد۲: گزینه‌های متعدد ثبوتی تنها در صورتی است که هدف میقاتیت و تعظیم شعائر باشد، اما وقتی ماه را به اموری تکوینی مثل بدن شدن شیاطین و حضور ملائکه در شب قدر، دیگر گزینه‌های مختلف ثبوتی معنا ندارد. ما میخواهیم اموری تکوینی را کشف کنیم.

استاد: این نکته هست که اگر بپذیریم سه حرکت داریم، هر حرکتی راسم یک موضوع است. زمین در حرکت شبانه‌روزی به دور خودش میگردد و راسم موضوع دوم و لیله است. یک حرکت قمر به دور زمین در یک ماه داریم که راسم موضوع شهر است. همچنین حرکت زمین به دور خورشید که راسم سنه است. اگر این را بپذیریم سؤال این است: آیا وقتی میگوییم شب پنجم ماه یا روز اول فروردین...؛ فروردین ماه است. ماهی که در برج سال شمسی است، ورود مرکز شمس به درجه اول برج حمل است. به این، تحویل شمس به برج حمل میگوییم. یعنی مرکز شمس درست میرسد به محل تقاطع معدل و منطقة البروج. همین که از اینجا در شد میگوییم شمس تحویل شد به برج حمل که برای دو هزار سال پیشتر است. یای نه، به درجه بیست و دوم حوت. که علامه مجلسی در بحارالانوار توضیح دادند. چون از ابرخس تا حالا دو هزار و خرده ای گذشته، الآن در درجه بیست و دوم برج حوت رفته است.

خب ببینید الآن این یک واقعه‌ای است که دارد در آسمان رخ میدهد. شما میگویید وقتی میخواهید بگویید امروز روز اول فروردین است، تسمیه شما چیست؟ مسمای شما و آن چه که به آن برچسب میزنید روز است. روز اول فروردین است. اما فروردین را چه چیزی تحصیل میکند؟ چه چیزی فروردین و اردیبهشت را میآورد؟ حرکت زمین به دور خورشید. حرکت زمین به دور خورشید است که دوازده برج و ماه و فروردین و خرداد را میآورد. اما روز اول این فروردین را خود حرکت زمین میآورد؟! زمین دارد دور خورشید میگردد، روز اول را آن حرکت میآورد؟ نه، چون زمین دائماً یک شب دارد و یک روز. آنکه نمیتواند روز اول و دوم را بیاورد. چون زمین به دور خودش میگردد روز اول و شب اول داریم. و الاّ اگر زمین دور خودش نمی گشت و ثابت ایستاده بود، ما روز اول فروردین و شب اول فروردین نداشتیم. همه اش روز بود، یک طرف زمین هم داغ میشد و یک طرف دیگر سرد میشد. هر کسی هم تاب آن گرما را داشت، فقط با سیر خورشید و دیدن ثوابت و منطقة البروج تشخیص میداد که الآن زمین در کجا است. آیا در حضیض است یا در اوج است؟ یا در سائر نقاط منطقة البروج است؟ بنابراین وقتی میگوییم روز اول فروردین، برای حرکت وضعی زمین است.

پس اتصاف فروردین بهروز اول، اتصاف بالعرض است، نه بالذات. اگر بالذات بود که مثل امسال رخ نمی داد. دیروز عرض کردم؛ طبق تقویم دانشگاه در ایران اول فروردین امسال چه روزی بود؟ جمعه بود. چون اسفند سی روز گرفته شد. اما طبق محاسبه بدون ملاحظه زوال و ساعت دوازده، نسبت به کبیسه قراردادن سال‌های طولانی نسبت به هم –طبق مبنای آقای دکتر بیرشک- پنج شنبه

روز سی ام نبود و اول فروردین می‌شد. چرا؟ چون طبق این محاسبه امسال کبیسه بود ولی طبق محاسبه ایشان امسال کبیسه نیست. خب اگر اتصاف روز جمعه به اولین روز فروردین اتصاف ذاتی بود که این دو نمی‌توانستند اختلاف کنند. چون فروردین برای حرکت انتقالی زمین است. روز هم برای حرکت وضعی زمین است. شما برای اینکه تقویم را درست کنید یکی کبیسه اضافه می‌کنید. ای کم می‌کنید. اتصاف به اینکه امروز پانزدهم فروردین است ای شانزدهم، شما با ماه‌های کبیسه می‌توانید کم و زیاد کنید. چرا؟ چون دو حرکت است. اتصاف فروردین به‌روز و شب، اتصاف یک حرکت انتقالی زمین به وصفی از حرکت وضعی زمین است که فقط تقارن زمانی دارند. نه اینکه یکی به دیگری متصف است. یک قطعه زمانی‌که ماه ای زمین می‌رود، این قطعه زمانی ای که زمین در محور خودش می‌رود ای ماه در محور خودش می‌رود، این قطعه زمانی نه روز دارد و نه شب. قطعه زمانی است که ماه دارد می‌رود. روز و شب، مربوط به کره زمین است که با حرکت وضعی خودش دارد. ما می‌خواهیم هم زمانی را تطبیق بدهیم و بگوییم ماه در این شب کره زمین است. لذا امشب را شب اول حساب کن و فردا را روز اول. این نکته مهمی در فهم مطلب است. اینکه اتصاف قطعه‌های زمانی در قوس سیر قمر و زمین، به‌روز اول و روز دوم و ... اتصافی است که تقارن زمانی بین حرکتی که راسم فروردین و راسم شهر مبارک است، هم زمانی دارد با حرکت وضعی زمین که روز و شب را ایجاد می‌کند.

شاگرد: روز برای حرکت وضعی زمین است ولی روز اول برای حرکت وضعی و انتقالی با هم است. یعنی صرفاً وضعی نیست.

استاد: ببینید جلساتی بود که ماه جمادی الاولی مطرح شد. آن وقت اتفاقا فرمایش شما را دقیقاً برای برچسب زنی بدون ملاحظه افقی، از بیست و چهار ساعت اول شروع کردیم. لذا من مشکلی ندارم. فعلاً آن چه که مقصود الآن من است، این است که اتصاف به شب و روز، اتصاف ذاتی نیست که وقتی همه عقلاء نگاه می‌کنند می‌گویند اینکه معلوم است اول است. روز اول است. این‌ها برچسب زنی های تقویمی است که با محاسبات جور در می‌آید. و چون تطبیق آن با کسر بود؛ بیست و نه روز و نیم، سیصد و شصت و پنج روز و شش ساعت؛ چرا چهار سال یک بار کبیسه می‌شود؟ چون شش ساعت جمع می‌شود و چهار سال که شد مجبور هستید یک روز کبیسه کنید. این اضافی مهم است. یک روز را کبیسه می‌کند. خب اگر اتصاف روزبه‌روز اول بودن ذاتی بود که این کبیسه برای شما ذاتی نمی‌آورد. لذا همان شش ساعت را دو جور می‌توانید محاسبه کنید. یک محاسبه الآن است که می‌گویند روز جمعه اول فروردین است، یک محاسبه آقا بیرشک که می‌گویند پنج شنبه روز اول است.

بازبینی #3
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 07:47:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 16:17:32 توسط ... .